

## زنده باد انقلاب اکبر زنده باد انقلاب کارگری

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist  
hekmatist.com

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

HEKMATIST.COM

هفتگی ۳۳۰

# حکمتیست

۲۲ اکتبر ۲۰۲۰ - ۱ آبان ۱۳۹۹  
پنجشنبه ها منتشر میشود

## کارگران هفت تپه بدهکار هیچ کسی نیستند!

خالد حاج محمدی

جدال کارگران هفت تپه با کارفرما و دولت و حامیان آنها، آینه تمام نمای از ماهیت دولت جمهوری اسلامی، از ماهیت بورژوازی ایران به عنوان طبقه ای آگاه به منافع طبقاتی خود، و بیان پیچیدگی های یک مبارزه و جدال طبقاتی میان آنها با کارگران هفت تپه است. خودآگاهی کارگران هفت تپه، پخته شدن آنها در این جدال، اتحاد و پیوستگی آنها و درک اهمیت و نیاز به این اتحاد در این جنگ، عروج رهبران و سخنگویان دلسوز و با اتوریته در دل این مبارزه، تلاش کارگران برای افشای حیل و نیرنگ و برنامه های کارفرما و دولت، تلاش برای جلب حمایت هم طبقه ای ها و صدها مسئله دیگر، کارگران هفت تپه را نیز به اندازه صدسال از مبارزه در دوران آرام تر و غیر بحرانی تر، آموزش داده است و صاحب تجربه کرده است. نگاه به تاریخ مبارزات هفت تپه با همه فراز و نشیب های آن، با شکست ها و پیروزی ها، عقب نشینی ها و پیشروی ها، با بررسی همه زوایای این جنگ طبقاتی و خصوصا جدال رودررو و بی پرده چند سال اخیر، یکی از منابع با ارزش تاریخ مبارزه طبقاتی، تاریخ یک جدال واقعی در همه ابعاد آن در جنبش کارگری ایران است. این جنگ قطعا تا جامعه طبقاتی برقرار است و نیاز طبقه حاکم به استثمار و بردگی طبقه کارگر، که قانون و فرهنگ و سیاست در این جامعه را رقم میزنند، پابرجاست. اما تا امروز کارگران هفت تپه به یمن این تجربه و این درجه از اتحاد و خودآگاهی، دستاوردهای بزرگی را برای جنبش کارگری ایران کسب کرده اند.

بالاخره و مستقل از سرانجام این جدال و آینده آن که قطعا به فضای عمومی جامعه و توزان قوای طبقاتی و به موقعیت طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه در ابعاد همه جانبه تری بستگی دارد، اما خلع ید از اسد بیگی و شرکایش، دست رد زدن به سینه قوه قضائیه و مراکز پلیسی و اطلاعاتی و آزادی کارگران، سخنگویان و نمایندگان و حامیان کارگران هفت تپه، تحمیل دوفاکتوی تشکل و مجامع عمومی و نمایندگان واقعی و منتخب به عنوان طرف حساب دولت و کارفرما در این جدال، تامین و حفظ اتحاد بالایی در میان کارگران این مرکز و افشا و طرد همه دیسه ها برای انشقاق و چند دستگی در میان آنها و... پیروزی بزرگی برای طبقه کارگر ایران در این دوره تاریخی است. این تجربه را باید مرور کرد، باید نوشت، باید خواند و باید در اختیار همگان قرار داد و باید از آن آموخت.

اما بدون تردید این جدال گوشه ای از یک جدال بزرگتر میان دو طبقه اصلی کارگر و بورژوازی ایران در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... در جامعه ایران است. کارگر هفت تپه در این جدال تجربه گرانبهایی را با فداکاری و هوشیاری نصیب جنبش ما کرده است. ... صفحه ۲۴

## اطلاعیه پایانی پلنوم ۴۸ کمیته مرکزی

### حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

پلنوم ۴۸ کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) با شرکت همه اعضا کمیته مرکزی در روز ۱۷ اکتبر ۲۰۲۰ برگزار شد. ... صفحه ۲۴

## تروریسم اسلام و مبارزین دروغین ضد تروریسم

آسو سهامی صفحه ۴

## در حاشیه «شایعه» استعفاء جانسون در بهار آینده

امان کفا صفحه ۳

## این توطئه هم محکوم به شکست است!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

## شرمتان باد!

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

## نگران نباشید جناب تاجزاده!

فواد عبداللهی

مصطفی تاجزاده اخیرا در یک برنامه تلویزیونی اعلام کرده است که «به این جمهوری اسلامی اعتقادی ندارم، اما گزینه بهتری هم از این نظام سراغ ندارم!» «حاج آقا» مجتبی ذوالنوری هم به همراه تعداد دیگری از نمایندگان مجلس خواستار «عزل و مجازات شدید» حسن روحانی شده اند. این تکانها در بالای نظام، رعد و برق در آسمان بی ابر نیست؛ گزارش اخیر مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی در خصوص افزایش نرخ فقر و شکاف طبقاتی پس از شیوع کرونا، ابعاد اجتماعی طغیان دوباره مردم علیه حاکمیت را گوشزد کرده است و شورشهای اجتماعی را پیش بینی می کند! از این نقطه نظر، تاجزاده به حق نگران است؛ نگران سرنوشت نظام و آئینه سیاسی آن است؛ تلاش می کند خود را در افکار عمومی، اپوزسیون و منتقد نظام جا بزند، با دستی نظام را بزند و با دست دیگر زیر بغلش را بگیرد. هرگاه کشتی جمهوری اسلامی در طول حیاتش به صخره سقوط نزدیک شده است صف رنگارنگی از این بازنندگان «اپوزیسیون» درون حکومتی، رگ «شجاعت» شان باد می کند و پلیدیها و زشتیهای نظامشان را به مصاف طلبیده اند. ... صفحه ۷

# آزادی برابری حکومت کارگری

هفت تپه ای ها نشان دادند که صف کارگر متحد و آگاه در زیر حمایت هم طبقه ای های خود و مردم آزادیخواه، چقدر میتواند برای بورژوازی ایران و دولتشان مایه دردسر و خطر باشد و برای طبقه کارگر و مردم محروم متضرر از ستم و استعمار، مایه امید. آنها الگویی از مبارزه و مقاومت، از ایستادگی و هوشیاری در مقابل طبقه کارگر قرار دادند که قابل تکتیر، قابل بدست گیری و مایه امید میلیونها کارگر و خانواده کارگری در ایران و حتی فراتر در جنبش کارگری خارج از ایران هم هست.

اما دسیسه ها، حقه بازی ها، تهدید ها و تلاش برای ارباب، هنوز هم ادامه دارد و ادامه هم خواهد داشت. مذاکرات اخیر نمایندگان کارگران با نمایندگان دولت و مجلس و مقامات و هیئت های آنها، توافقات و قول و قرارهای اخیر و از جمله خلع ید از اسد بیگی و بخش خصوصی و پرداخت حقوق های معوقه و... به روال همیشه، بدون فشار و قدرت کارگران به انجام نمیرسد و این را خود هفت تپه ای ها صدها بار تجربه کرده اند. در این دوره و در امتداد توطئه های اسد بیگی و همراهان او در هفت تپه و در میان دستگاه حاکمیت، پرداخت نکردن حقوق تعدادی از نمایندگان و سخنگویان کارگران هفت تپه، آقایان یوسف بهمنی، ابراهیم عباسی، امید آزادی، محمد امیدوار و حسن کهنکی، کار شنیع و کتیف اسد بیگی و همراهان او با هدف نفاق میان کارگران و زهر چشم گرفتن از نمایندگان و سخنگویان آنها است که نمیتواند مورد نفرت و بیزار عمیق هر انسان باوجدانی نباشد.

کارگران هفت تپه بی تردید این بار هم چون همیشه نه تنها پشت رفقای خود را خالی نخواهند کرد، که جواب قاطع به این اقدام شنیع کارفرما را خواهند داد. چنین اعمالی از جانب کسی که پرونده دزدی و اختلاس او سر به فلک کشیده و به همت کارگران هفت تپه، پته اش روی آب افتاد و پرده از چهره اش برداشته شد، کسی که محاکمه اش از سر اجبار به حاکمین و شرکای اسد بیگی تحمیل شد، بار دیگر به روشنی نشان میدهد که اسد بیگی های این جامعه، مولتی میلیاردهای حاکم، روسای جمهوری اسلامی از بالا تا پایین اعضای یک تن واحد، روسای یک سیستم تا مغز استخوان ارتجاعی و ضد کارگری اند. اسد بیگی با علم به این حقیقت و زیر چتر عمومی جمهوری اسلامی و دستگاه سرکوب او میتواند چنین افسار گسیخته زندگی کارگر هفت تپه، سخنگویان و نمایندگان آنها و خانواده هایشان را به سرخه بگیرد. این حقیقت بخشی از تجربه بزرگ طبقه کارگر در تاریخ مبارزات خود از آق دره، خاتون آباد، عسلویه، معادن و نفت و گاز و پتروشیمی و ماشین سازیها، تا ترانسپورت و ذوب آهن و هفت تپه تا هپکو و آذر آب و... است.

اما و در این میان نباید موشدوانی عده ای در لباس کارگر و با ادعای دلسوزی برای کارگران و با هدف تخریب شخصیت رهبران و سخنگویان آنها را فراموش کرد. در این دوره و در دل مبارزات هفت تپه از درون و بیرون این مرکز، علاوه بر تلاش و پرونده سازی حاکمین و دستگاه پلیس و اطلاعات و رسانه های آنها، شاهد تلاش عده ای فرصت طلب برای پیدا کردن تکه پاره مدارک سوخته با تلاش در تخریب شریفترین، معتبرترین و دلسوزترین سخنگویان و نمایندگان کارگر هفت تپه بوده ایم. اگر اولی ها رسماً نمایندگان و مسئولین و حقوق بگیران سیستم حاکم بر جامعه ایرانند، دومی ها سر باز بی چیره و مواجهیه هستند که آگاهانه آب به آسیاب حاکمیت ضد کارگر در ایران میریزند. طی این چند سال کارگر هفت تپه در کنار زندان و شکنجه و پرونده سازی، در کنار تلاش برای ایجاد فضای ارباب و پلیسی در این مرکز، در کنار حمله به منازل نماینده های خود، در کنار سناریوهای سوخته قوه قضائیه و شکنجه گران و آدم کشان آنها، در کنار خربچینان و عمال کارفرما و مراکز اطلاعاتی، همواره تلاش کرده است، نقش موریانه های درون و بیرون این مرکز علیه اتحاد صفوف خود را نیز خنثی کند و سر بلند بیرون آید. کارگران هفت تپه همه این دامها و توطئه ها و بعلاوه نقش موریانه های حاشیه جلال بزرگ خود را نیز تا کنون افشا و نقش بر آب کرده اند. کارگر هفت تپه راه نقد و بررسی نقادانه هیچ کسی را از فعالیت و مبارزه خود نگرفته است. اما هیچ کارگر فهیمی نمیتواند انزجار و نفرت خود از بی حرمتی و پاپوش دوزی و موشدوانی علیه رفقای خود، نمایندگان و سخنگویان خود را به کسی ببخشد.

هفت تپه ای ها، اسماعیل بخشی ها، یوسف بهمنی ها، ابراهیم عباسی ها و محمد خنیفرها و... همه کارگرانی که در این جلال در کنار هم ایستاده اند، مستقل از آینده جلال آنها، افتخارات بزرگی را تا امروز نصیب طبقه کارگر ایران کرده اند، آنها بدهکار هیچ احدی در این جامعه نیستند. آنها چهره های محبوب و قابل احترام در جامعه ایرانند و در قلب میلیونها انسان جای دارند. نه سناریوی سوخته وزارت اطلاعات و نه تلاش عوامل اسدبیگی نه موشدوانی موریانه وار عده ای فرصت طلب، نه فقط سرسوزنی به اعتبار نمایندگان واقعی کارگران هفت تپه لطمه نمیزند، که برعکس نشان دهنده هراس دشمنان طبقه کارگر از این طبقه و نمایندگان آن است.

دستور جلسه پلنوم عبارت بود از

- گزارش کمیته رهبری (فعالیت های ایندوره و موقعیت حزب)
- اوضاع سیاسی ایران
- کنگره آتی حزب
- انتخابات

در مبحث گزارش، دبیر کمیته مرکزی علاوه بر تاکید بر تاثیرات کرونا بر فعالیت های حزب، بویژه فعالیت های عملی آن، به سیاست های حزب در برخورد به مسائل سیاسی و اجتماعی ایندوره و تاثیرات آن بر تقویت کمونیسم اجتماعی و دخالتگر و بر تقویت موقعیت حزب در ابعاد سیاسی و اجتماعی پرداخت.

#### اهم نکاتی که گزارش بر آنها تاکید داشت عبارت بودند از:

سیاست حزب در برخورد به بحران کرونا، تاثیرات اجتماعی این سیاست در اولاً متحد کردن مردم برای مقابله مستقیم با این بحران و دوماً در طرح توقع و انتظار و فشار به جمهوری اسلامی در تامین امکانات بهداشتی و ... یکی از نمونه های بارز سیاست فعال، دخالتگر و اجتماعی حزب در برخورد به معضلات اجتماعی بود.

دخالت حزب در مسائل و معضلات سیاسی و عملی جنبش کارگری و بویژه در مسائل نظری مطرح در میان فعالین رادیکال و سوسیالیست کارگری، عطف توجه بخشی از این فعالین به مباحث و استقبال از این دخالت، یکی دیگر از شاخص های پیشروی حزب در ایندوره بود.

دخالت فعال حزب در جدال با ناسیونالیسم و نیروهای ناسیونالیست، از ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی تا ناسیونالیسم کرد، تلاش در بستن سدی قوی در مقابل آن و تاثیرات سیاسی آن، از پژاک تا فرشگرد و رضا پهلوی، این حزب را بعنوان نماینده تقابل کمونیستی با ناسیونالیسم، باج ندادن به جریانات و نیروهای ناسیونالیست راست یا چپ، عروج داد.

در دستور اوضاع سیاسی ایران ضمن اشاره به موقعیت جهانی و بحرانها و کشمکشهای همه جانبه، بحران اقتصادی جمهوری اسلامی و بن بستهای آن، به بحران سیاسی و اعتراضات طبقه کارگر و بخش محروم جامعه، به تشدید اختلافات در بالا تحت تاثیر اعتراضات پایین و تاثیرات آن بر فضای سیاسی و توازن قوا در جامعه ایران پرداخته شد.

در این بحث به موقعیت اپوزیسیون راست و چپ و افق و آرمان و سیاستهای دوره گذشته و امیدها و نقشه های آنها و جایگاه کمونیسم و نقش حزب حکمتیست (خط رسمی)، به امکانات و موانع در سیر سرنگونی و سیر پیشروی کمونیسم اشاره شد.

همچنین به معضلات امروز طبقه کارگر و بخش محروم جامعه، موقعیت معیشتی و فقر و عواقب زینبار آن، تحریمهای اقتصادی و عواقب مخرب آن و همزمان به کرونا و تشدید بحران اقتصادی و لطمات آن به جنبش اعتراضی طبقه کارگر و بی مسئولیتی جمهوری اسلامی پرداخته شد.

در بخشی دیگر از مبحث اوضاع سیاسی ایران، آینده تحولات جامعه ایران، رابطه حاکمیت با پایین جامعه، مبارزات دوره آتی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه، ضرورت دخالت پیگیر و آگاهانه کمونیستهای طبقه کارگر و بویژه نقش و وظیفه حزب حکمتیست (خط رسمی) در این راستا پرداخته شد.

در دستور کنگره دهم حزب، پلنوم تصمیم گرفت با توجه به ادامه بحران کرونا و غیرممکن بودن برگزاری کنگره در آینده ای نزدیک، تمام تصمیمات و اقدامات مربوط به کنگره لغو خواهد شد. برگزاری کنگره حزب به محض مناسب بودن شرایط و امکان برگزاری آن در اولویت کار کمیته مرکزی قرار خواهد گرفت.

در دستور انتخابات ابتدا آذر مدرسی بعنوان دبیر کمیته مرکزی در پست خود ابقاء شد. سپس رفقا امان کفا، ثریا شهابی، خالد حاج محمدی، سهند حسینی، فواد عبدالمهدی و محمد فتاحی بعنوان کمیته رهبری انتخاب شدند. پلنوم با سخنانی اختتامیه آذر مدرسی و سرود انترناسیونال به پایان رسید.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

۲۰ اکتبر ۲۰۲۰

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید

## در حاشیه «شایعه» استعفاء جانسون در بهار آینده امان کفا

در این هفته، جراید انگلیس از تصمیم بوریس جانسون به استعفا از پست نخست وزیری خود در بهار آتی، خبر دادند. خبری که گرچه مورد تایید دفتر نخست وزیری قرار نگرفت، اما انکار هم نشد. جانسون علت این تصمیم را که با تعدادی از اعضای حزب محافظه کار و پارلمان در میان گذاشته بود، ناکافی بودن حقوق ماهانه خود نسبت به دوره قبل از نخست وزیری اعلام کرده است.

اما نه غبطه خوردن به درآمدهای میلیونی تریزا می، تونی بلر و دیگر سردمداران سابق دولت بریتانیا، و نه «تصمیم شخصی» جانسون، دلیل واقعی تمایل وی به کناره گیری از پست نخست وزیری نیست. جانسون جاه طلب تر و آشنا تر از این ها به سیاست و سیاستمداری در این کشور است. جانسون کاملاً به این امر واقف است که موقعیت او با دیگر سیاستمداران که پس از پایان دوره نخست وزیری خود به پاس قدردانی حکومت از تلاششان برای حفظ نظام موجود، به مقام ها و پست های دیگری با درآمدهای مناسب آن، منتصب شده و می شوند، متفاوت است. او می داند که اشغال صندلی جدید، که برای سیاستمداران دیروزی نه فقط در بریتانیا بلکه در تمامی کشورهای سرمایه داری، چه در آمریکا و چه در ایران، یک نرم عمومی حکومت ها است، برای او آماده نشده و می شود. جانسون، همچون هم پیمان خود، ترامپ، می داند که چنین موقعیتی برای آنها موجود نبوده و نیست.

جانسون در یک دوره خاص، با سوار شدن بر اعتراضی عمومی مردم علیه کل ساختار حاکم و بر خلاف خواست و سیاست عمومی بورژوازی انگلیس به سوی قدرت خیزش برداشت. او سپس، در پایان سال ۲۰۱۹، باز با همین پرچم ساختارشکنانه و با ادعای پایان دادن به بلاتکلیفی جامعه، با شعار «یکسره کردن» برگزیت، انتخاب شد. انتخابی که عملاً هرچه در ساختار موجود در بریتانیا مبنی بر حفظ ارتباط با بازار اروپا، بعنوان سیاست عمومی طبقه حاکم بود، رشته بود را پنبه کرد و با کوبیدن بر طبل «خروج از اروپا واحد بدون توافق»، دروغهای معضلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عمیق تری را در مقابل جامعه قرار داد. بحران کرونا، سیاست لایقانه دولت جانسون، تأثیرات اقتصادی و اجتماعی آن بر زندگی میلیونها نفر در انگلیس، نیز به این مشکلات اضافه شد. جامعه انگلیس، از بورژوا تا کارگر آن، خود را برای ورود به دوره ای از بی افقی، نامعلومی، سردرگمی توأم با معضلات اقتصادی و اجتماعی آماده میکنند.

کرونا، نه فقط به مثابه یک اپیدمی، بلکه به مثابه یک کاتالیزور، موقعیت شکننده این سردرگمی و بی افقی را هم حادث تر و هم آشکارتر در مقابل جامعه قرار داد. اگر کرونا در سرتاسر دنیا، بی لیاقتی دولت ها و لایقیدی آنان در حفظ جان و زندگی شهروندان هر کشوری را به نمایش گذاشت، در بریتانیا این امر به مراتب حادث تر در مقابل جامعه قرار گرفت. در طی این چند ماه اخیر، مردم بریتانیا شاهد بالاترین تعداد مبتلایان و قربانیان کرونا در اروپا بوده و هستند. دولت بریتانیا، نه به سرعت و شدت دیگر کشورهای اصلی اروپا، نظیر آلمان و فرانسه، بلکه دیرتر از دیگران اقدام به قرنطینه عمومی مردم کرد. در عین حال باز برخلاف سایر کشورهای اروپایی، برای «راه اندازی اقتصاد» زودتر و با شرایط بازتری، بازگشت به حالت «عادی» را اعلام کرد. برای نمونه مقایسه ساده ای با آلمان، تا همین جا نشان داده است که دولت جانسون هیچ برنامه قابل اتکایی نه در مقابله با اپیدمی کرونا و نه برای رفع معضلات اقتصادی مردم، ارائه نکرده است. پس از جلسه امروز جانسون با اتحادیه کارفرمایان در مورد برگزیت، که حتی نیم ساعت هم طول نکشید، نمایندگان این اتحادیه یکبار دیگر از نامعلومی مذاکرات دولت جانسون با اتحادیه اروپا ابراز نارضایتی کرد.



در عین حال، وضع مردم نیز با بیکاری های دائم و نا امنی های شغلی، تورم و گسترش فقر و ... روز به روز بدتر شده و مشکلات اقتصادی مردم ابعاد وسیعتری کرده است. شرایط اسفناک معیشتی و زندگی زیر خط فقر میلیونها نفر در این «امپراطوری» به حدی رسیده است که بسیاری از خانواده های کم درآمد قادر به تهیه سه وعده غذا برای کودکان خود نیستند! علیرغم این لایحه تامین غذای گرم برای کودکان و شاگردان مدارس در دوره تعطیلات مدارس، با مخالفت دولت و نمایندگان حزب محافظه کار در مجلس مواجه شد و به تصویب نرسید!

امروز دولت جانسون، در مقایسه با سایر دول اروپایی، با بالاترین بی اعتمادی عمومی روبرو است. در حال حاضر این دولت نه از اعتماد بورژوازی و نه از اعتماد مردم برخوردار است. در این چنین شرایطی، واضح است که مردم حتی به اخطارها، بکن و نکن های دولت در مورد کرونا واقعی نگذارند و به وعده های دولت مبنی بر تسلط بر اوضاع و بهترین بسته های اقتصادی برای کمک به مردم باور ندارند.

امروز آنچه در بریتانیا کاملاً آشکار است این است که جانسون و دولتش، این نمایندگان پوپولیسم راست که با پرچم «ساختار شکنی» به قدرت رسیدند، به مراتب ورشکسته تر از دیگر دولت های بورژوازی اروپا برای ارائه پاسخی به اقتصاد و زندگی مردم هستند. استعفاء جانسون فرار از قبول مسئولیت فردی در قبال بحرانی است که وی شخصاً در ایجاد آن نقش داشته است. دولت انگلیس در سال آینده، پس از خروج قطعی بریتانیا از اروپای واحد و پس از بحران کرونا، نه فقط دولتی از نظر اقتصادی نیمه ورشکسته و با میلیاردها پوند قرض، که دولتی بی اعتبار، بحران زده، با نخست وزیری نالایق و آینده ای نامعلوم و تاریک خواهد بود. جانسون از همین میراث به جا گذشته خود فرار میکند. استعفاء جانسون «دفاع پیشگیرانه» از اعتبار باقی مانده خود است.

اگر در دوره ای، چهره هایی چون جانسون توانستند در غیاب چپ کمونیست، اعتراض عمومی مردم علیه کل ساختار موجود را با پرچم راست به عقب برانند، در همین چند ماه، کرونا با پرده برداری از تمامی تناقضات جامعه، بی اعتباری و شکست همین پوپولیسم راست را در ارائه پاسخی درخور به معضلات جامعه نشان داد. این همان واقعیتی است که جانسون را که حتی مورد قبول احزاب رسمی بورژوازی نبود را به تمایل «استعفا» در چند ماه آینده کشانده است.

## دنیا بدون فراخوان

### سوسیالیسم،

### بدون امید سوسیالیسم و

### بدون خطر سوسیالیسم

### به چه منجلاپی

### بدل میشود..

# مجمع عمومی نماینده مستقیم کارگران



## تروریسم اسلامی و مبارزین دروغین ضد تروریسم آسو سهامی



روز پنجشنبه ۱۶ اکتبر معلم یکی از مدارس فرانسه که کاریکاتورهایی از محمد را به دانش آموزان خود نشان داده بود، به سنت همیشگی تروریسم اسلامی از سوی فردی که فریاد الله اکبر سر می داد به قتل رسید و سرش بریده شد. «ساموئل پتی» معلم تاریخ و جغرافیا، از اوایل اکتبر امسال درسی را با موضوع «آزادی بیان» شروع کرده بود.

واقعیت اینست که این جنایت هولناک جامعه جهانی را تکان داد و حضور هزاران نفر در بجموبه کرونا در خیابانهای شهرهای پاریس، لیل، نانت، تولوز، استراسبورگ، ماری و بوردو فرانسه، در گرامی داشت یاد این معلم قربانی، علیه جنایت اسلامیست ها، در دفاع از آزادی بیان و سکولاریسم نشان از این دارد که هیچ مانعی نمی تواند جامعه را در دفاع از ارزشهای انسانی خود باز دارد.

این حمله در حالی صورت گرفت که مجله شارلی ابدو همزمان با برگزاری جلسه محاکمه متهمان به همدستی در حمله به تحریریه این نشریه در سال ۲۰۱۵ که به دنبال انتشار کاریکاتور از پیامبر اسلام صورت گرفته بود و منجر به کشته شدن شماری از کارمندان این مجله شد، بار دیگر کاریکاتورهایی از پیامبر اسلام را منتشر کرده بود.

همزمان با وقوع این جنایت در یکی از بزرگترین مراکز خرید در شهر استانبول فروشگاه بزرگی افتتاح گردید که اقلام تبلیغی «داعش» از قبیل کتاب، فیلم و همچنین تی شرت ها و پرچم هایی با عکس رهبران داعش و لوگوهای این جریان را به فروش می رساند.

ضمن محکوم کردن این جنایت هولناک از سوی نگارنده این متن، وقوع این جنایت در این زمان و اوضاع از زوایایی قابل تامل است.

نخست اینکه دین و مذهب همیشه همانند ابزاری در خدمت سرمایه داری جهانی بوده تا با کمک آن به غارت، چپاول، جنگ افروزی خود ادامه دهد و هر موقع، هر جا و همانگونه که خود لازم می داند آنرا در خدمت بگیرد. قبل از اشاره به تاریخچه خونین و پر از جنایت اسلام، باید به این نکته اشاره کرد که بورژوازی جهانی خود پرورش دهنده و سازمانده بنیاد گرای مذهب دین دهرده های اخیر بوده و آنرا در خدمت منافع خود بکار گرفته است. آنها هر زمان و در نقطه ای از جهان که احتیاج داشته اند به منظورخالت در آن منطقه برای منافع خود، به منظور تقابل با حریفان مرتجع خود و برای چپاول ثروتهای آن منطقه، همیشه دین و تفکرات ناسیونالیستی را باد زده و به خدمت گرفته اند. در این جنگ و جدالها، این دولتها بعضا راسا دست به سازماندهی گروههای تروریست مذهبی، باندها و گانگسترهای نظامی و شبه فاشیستی زده اند و همیشه تلاش کردن با استفاده از عقب ماندگی های فرهنگی و سیاسی، به اشاعه نفاق قومی و مذهبی پردازند و در این راه مردم محروم و فریب خورده را به خدمت گرفته اند. در چنین فضایی دولتهای بزرگ و کوچک، قدرتهای جهانی و منطقه ای هر کس به میزان زور و توان نظامی خود به قیمت کشتار، ویرانی و آوارگی مردم با پس زدن دیگر حریفهای مرتجع خود، تسلیحات نظامی را به فروش می رساند و از سوی دیگر ضمن چپاول ثروتهای منطقه، نیروی کار و متخصص ارزان آواره گان و زنده ماندگان را به خدمت گرفته اند.

در زمان و مکان دیگری که دنبال بهانه ای برای ایجاد ترس، عدم امنیت و سرکوب اعتراضات مردمی و یا به رواج تفکر راسیسم، نژاد پرستی و مهاجرستیزی و غیره بوده باشند، همین تفکرات فاشیستی، مذهبی و قومی بوده اند که در خدمت بورژوازی و علیه جنبشهای مترقی و آزادیخواهانه بکار گرفته شده اند.

اسلام سیاسی در این عصر یکی از همین تفکرات تندرو است که از سوی سرمایه داری جهانی پرورش یافته و سپانسوری شده اند، از اخوان المسلمین و

جنبش شیعه گری به رهبری خمینی گرفته تا القاعده، طالبان و داعش، النصر و صدها گروه و باند مذهبی و قومی و....

چه کسی می تواند منکر حمایت همه جانبه کشورهای «متمدن غربی» و رسانه های بزرگ آنها در به قدرت رساندن خمینی و مصادره انقلاب ۵۷ از سوی این گروه شود. چه کسی می تواند منکر پرورش و حمایت کشورهای سرمایه داری و خصوصا آمریکا در ایجاد، سازماندهی و مسلح کردن گروه های تندرو اسلامی بر علیه شوروی سابق و همچنین سازماندهی و مسلح کردن طالبان و القاعده در افغانستان شود تا بعدها وجود این گروه ها بهانه حضور نظامی آمریکا در منطقه را تأمین نماید.

داعش و جبهه النصر و دهها گروه اسلامی و قومی و آدم کش به نام ارتش آزاد سوریه توسط همین دولتها و در راس آنها آمریکا و دولتهای بزرگ غربی به عنوان «جنگجویان آزادی» (freedom fighter) و به نام مقابله با دیکتاتوری اسد، سازماندهی و آموزش دیدند، اسلحه و پول امکانات و تکنولوژی مدرن در اختیارشان گذاشتند و میدیای رسمی در دفاع از آنها به عنوان پیام آوران «آزادی و دموکراسی» به دنیا معرفی شان کردند. جریاناتی که تا هم اکنون هم موی دماغ تمدن بشری در کل خاورمیانه هستند.

در جریان اعتراضات طبقه کارگر در کشورهای غربی در بحبوحه بحران سرمایه داری که جنبش نود ونه درصدی ها پا گرفت و می رفت که به یک جنبش جهانی علیه سرمایه داری تبدیل شود و کل این نظام را به خطر فروپاشی روبرو کند، پیدایش داعش و پرورش رهبرانش از سوی دولتهای سرمایه داری و حمایتشان از سوی همین دولتها و تروریسمی که به کار گرفته شد تا تمامی این بحرانها زیرنام خطر تروریسم سرکوب و یا به دست فراموشی سپرده شود و خود همین آزادی نیم بند بیان که نتیجه سالهای مبارزات طبقه کارگر بود زیر نام خطر وجود اسلام سیاسی و تروریسم نیز به زیر سوال رفت تا سرمایه داری به عمر ننگین خود و چپاول دسترنج طبقه کارگر ادامه دهد.

و اکنون نیز، گسترش ویروس کرونا در پیک دوم این بیماری در دل بی مسئولیتی کامل و بی شرمانه دولتهای بورژوازی حاکم، شدت بیشتری یافته است و بیشتر کشورهای سرمایه داری را با بحران کمبود وسایل و خدمات پزشکی، مرگ و میر روزافزون طبقه پایین جامعه روبرو کرده است و تمامی آن کبکبه و دبدبه دنیای سرمایه داری به زیر سوال رفته و به چالش گرفته شده است. از سوی دیگر مراکز کار و تولید، هتل ها و رستوران ها تعطیل شدند، میلیونها نفر از کارگران و کارکنان در سراسر جهان بیکار گشته اند و سونامی بیکاری به راه افتاده است. میلیونها نفر به لشکر عظیم بیکاران و به ارتش ذخیره کار اضافه شده است و خطر طغیانهای توده ای در مقابل کشورهای سرمایه داری قرار گرفته است.

سرمایه داری که وجود این خطر را احساس کرده است و از عواقب سیاسی و اجتماعی چنین فاجعه ای به خوبی مطلع است بی شک به همانند همیشه از وجود اسلام سیاسی و تروریسم استفاده می برد تا با خارجی ستیزی و میدان دادن به جریانات دست راستی، راسیستی و فاشیستی، اعتراضات حق طلبانه طبقه کارگر و اقشار محروم را منحرف کند و اکنون و با جنایتی که تروریستهای اسلامی در فرانسه مرتکب شدند، برای شروع چه جایی بهتر از فرانسه که از سنت مبارزاتی قوی برخوردار است و آخرین نمونه آن جنبش جلیقه سبزهاست. این بهانه را نیز از طریق شارلی ابدو ایجاد کرده و چه زمانی مناسبتر از حالا یعنی همزمان با محاکمه آسانژ (محاکمه قرن) در انگلستان که جنبش دفاع از او می رود ابعاد وسیع جهانی به خود بگیرد.

بی شک تنها در صورت گسترش یک جنبش رادیکال توده ای می توان از یک سو از آزادیهای فردی، و بیان دفاع کرد و از سوی دیگر شکست پروژه های سرمایه داری را در معرض به امنیت شغلی، جانی و زندگی انسان ها را تضمین کرد. سرمایه داران و دولت هایشان که در این دوره و با توجه به وضعیت و بحران کنونی متضرر شده اند، قصد دارند با تحمیل برنامه های شدید ریاضت اقتصادی، پیامدهای بحران کرونا بر اقتصادی سرمایه داری را جبران کنند و همزمان نیز با ایجاد ناامنی در جامعه با استفاده از حربه تروریسم اسلامی سعی در به انحراف کشاندن و یا به حاشیه راندن اعتراضات و سرکوب آن را دارند. ... ادامه در صفحه بعد ←

# میان حقوق جماعشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراه است

## این توطئه هم محکوم به شکست است!

### پیرامون تیراندازی اخیر عوامل رژیم در هفت تپه

بنا به اخباری که از جانب کارگران و فعالین هفت تپه در شبکه های مجازی منتشر شده است، عوامل و جیره بگیران رژیم دیشب در شرکت هفت تپه دست به تیراندازی زده و خساراتی به بار آورده اند!

جمهوری اسلامی پس از شکست از صفوف متحد کارگران هفت تپه، که تن به بردگی در سایه قوانین ارتجاعی حاکم نداده اند، بویژه در مقابل پیروزی کارگران در آزادی نمایندگان، همکاران و حامیان خود و در خلع ید از کارفرما، در صدد است تا انتقام خود را با نا امن کردن محیط کار و «امنیتی» کردن مبارزه کارگران از آنها بگیرد.

جمهوری اسلامی همه راهها را برای به شکست کشاندن اعتصابات کارگران هفت تپه طی کرد. راه انداختن شورای اسلامی در مقابل تشکل و نمایندگان مستقل کارگران هفت تپه، دامن زدن به تفرقه در صفوف کارگران بر حسب زبان و قومیت و مذهب و ... دستگیری و شکنجه نمایندگان و سخنگویان کارگران، اعتراف گیری زیر شکنجه و «سناریوی سوخته»، پرونده سازی امنیتی علیه آنان، ضرب و شتم و تهدید سخنگویان واقعی، اخراج از کار آنان و بالاخره تیراندازی به منزل نمایندگان کارگران توسط اوباش کارفرما و رژیم همه و همه راههای است که جمهوری اسلامی برای عقب راندن کارگران هفت تپه و سرکوب اعتراضات آنان طی کرده است. توطئه هایی که توسط کارگران هفت تپه و در راس

تروریسم اسلامی و ...

وزیر کشور فرانسه بدون ارائه جزئیاتی در خصوص عملیات پلیسی در رابطه با قتل «ساموئل پتی» اظهار داشته: «این عملیات حاصل تصمیم اتخاذ شده در جلسه روز یکشنبه شورای دفاع و لزوما تنها افرادی را که مرتبط با تحقیقات قتل ساموئل پتی هستند را هدف نمی گیرد».

لازم به تذکر است که تنها با گسترش جنبش کارگری، توده ای و ضد سرمایه داری می توان تعرضات دولت های سرمایه داری را به عقب راند و در این زمان که سرمایه داری در ضعیف ترین وضعیت به سر می برد نباید اجازه داد که بحران کرونا و خطر تروریسم این جنبش رادیکال را به عقب نشینی وادارد و تنها همین جنبش رادیکال کارگری و توده ای است که می تواند از به قدرت رسیدن احزاب دست راستی و فاشیستی و تحمیل گرسنگی و بیکاری بیشتر به مردم جلوگیری کرد.

از سوی دیگر می توان دوباره تاکید کرد که تاریخ ادیان و مذاهب از هر نوع آن، همواره با سرکوب، شکنجه، تفتیش عقاید، زندان و کشتار، تجاوز به زن و کودک آزاری و... همراه بوده است. در این میدان اسلام و مسیحیت و یهودیت و... جملگی از یک قماشند. اینجا تنها اشاره ای اجمالی به گوشه ای از جنایت اسلام سیاسی واقعیت وجودی این ایدئولوژی را برای ما عیان می کند. اسلام سیاسی به مثابه یک تفکر ضمن تلاش برای گسترش خود و بدست گرفتن قدرت سیاسی در طول تاریخ از هیچ جنایتی رویگردان نبوده است.

«لشکر از لجن و پشم و اعتقاد! آن ها آمدند، آرزوهای من را کشتند، آن ها من را غنیمت صدا می زدند! آن زمان دیگر نادیا نبودم، آن روز دختری بودم با روحی زخمی که از نفس هایم خون می چکید، آن روز هیولای ظریفی بودم که با جهان قطع رابطه کرده بودم، در من انسان مرده بود و لاشه ای بودم که حتی مومیایی هزار ساله اش ارزش نداشت، آن روز مرگی بودم در روحی! بعد از آن زنی می مرد، زنی حامله می شد، زنی خودکشی می کرد، زنی خودسوزی... زنی هزار رکعت نماز جبر می خواند! خدا شاهد بود آمدند پدرم را به دو قسمت نامساوی تقسیم کردند؛ سرش را برای «وطن» جا گذاشتند و بدنش را زیر خاک دفن کردند که «نفت» شود! خدا شاهد بود برادر کوچکم را لخت زیر آفتاب دهن داشتند و به او شهادتین یاد می دادند؛ باید می گفت الله بزرگتر است! خدا شاهد بود او از فرط عطش و بی آبی جان داد!» (قسمتی از سخنرانی نادیا مراد دختری کردی که سه سال تمام غنیمت داعش بود) شنیدن صحبت های نادیا همانند یک رشته زنجیر متصل ما را به دوران حاکمیت کلیسا، کیسه و مساجد و... میبرد.

اسلامگرایان تندرو از طالبان و داعش تا حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی

آن نمایندگان واقعی آنان همگی به شکست انجامید. این توطئه ها نه فقط کارگران هفت تپه را مرعوب نکرد که عزم و اتحاد شان را برای پیروزی بیشتر و بیشتر کرد.

این توطئه جویانه برای ناامن کردن هفت تپه هم از طرف پیشروان این بخش از طبقه کارگر ایران، بسرعت خنثی میشود.

سیر رویدادها در هفت تپه یک بار دیگر این حقیقت را ثابت کرد که پاشنه آشیل رژیم کجاست! نقطه ضعف این نظام با هر سه قوه آن، با عوامل و آجودان های آن، اتحاد طبقه کارگر در ایران است. طبقه ای که قلب پیشروی جامعه ایران به سمت رفاه، برابری و آسایش، است. از این نقطه نظر، تمرکز ویژه رژیم و پادوهای آن در هفت تپه اصلا مایه تعجب نیست؛ امتحان کردن اشکال متفاوت تاکتیک های ضد کارگری و ضد انسانی، از طرح ایجاد تفرقه در صفوف هفت تپه ای ها تا به پا کردن دادگاه های فرمایشی رهبران هفت تپه، از نقشه ترور فعالین هفت تپه تا تیراندازی امروز پادوهای رژیم در شرکت، همه و همه، حاوی یک پیام روشن اند: چشم اسفندیار این نظام، قدرت متشکل و اتحاد یکپارچه در صفوف طبقه کارگر است؛ هفت تپه این ویژگی و این خودآگاهی طبقاتی را نمایندگی میکند!

متوسل شدن به اسلحه و تیراندازی در مقابل نیاز میلیونها انسانی که توقعشان از زندگی، چیزی کمتر از رفاه و آزادی و آسایش نیست، راه به جایی نمی برد. گلوله این نظام به سنگ خورده و به سمت قلب خودش کمانه کرده است. ارباب و گروکشی، این طرح های جویانه، در مقابل صف آبدیده کارگرانی که به نقطه قدرت خود، یعنی اتحاد طبقاتی، پی برده اند، محکوم به شکست و رسوایی است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

۱۶ اکتبر ۲۰۲۰

دهها سال است با شعار الله اکبر، به زنان تجاوز می کنند، مخالفان خود را گردن میزنند، بدار میکشند، شکنجه میکنند و بدینوسیله ترس، خفقان و سرکوب را در جامعه نهادینه کرده اند.

از فرمان خمینی برای حمله به کردستان گرفته تا اعدام زندانیان سیاسی، سحرگاهان دهه شصت زمانی که با دعای «ربنا»ی شجریان بیدار می شدند تا دسته دسته جوانان را به قتلگاه بزنند و به دار آویزند، از فرمان ترور سلمان رشدی و تعیین جایزه برای سر او گرفته تا قتل های زنجیره ای که عزیزی همانند «جعفرپوینده و محمد مختاری» را در بیابانهای خلوت تهران به قتل رساندند، همه و همه تنها در خدمت بقا و باز تولید تخم وحشت و خفقان و استمرار سیستم سرمایه داری بوده است.

از پروسه قتل و عام هزاران تن از مردم کردستان عراق توسط رژیم بعث که زیر نامه «انفال» (سوره ای در قرآن) گرفته تا مپ گذاری هایی که تنها مردم بی گناه را قربانی کرده، همه و همه از تفکرات مذهبی و قومی سرچشمه می گیرند. فرمان ترور و کشتار غیر مسلمانان و مخالفین سیاسی در دین اسلام امری عادیست و حتی به تمامی مسلمانان واجب شده است و آنرا در لایه لای متون قران، به وضوح می توان دید.

به میدان آمدن هزاران نفر از مخالفان سرمایه داری و نئولیبرالیسم در کشور شیلی و به آتش کشیدن کلیسای سانتیاگو از سوی معترضین در این کشور در روز سه شنبه ۲۰ اکتبر و همچنین به خیابان آمدن و اعتراض پزشکان و پرستاران در شهر بارسلون اسپانیا در اعتراض به بی توجهی و ناکارآمدی دولت، کمبود دارو و امکانات پزشکی در همین روز از یک سو و به خیابان آمدن مردم فرانسه در گرامیداشت یاد «ساموئل پتی» معلم تاریخ و جغرافیا کشته شده به دست تروریستهای اسلامی از دیگر سو می تواند پاسخی به دولتهای سرمایه داری، فرقه های مذهبی و آدم کش و حامیانشان در سراسر جهان باشد که آلتزاتیو سوسیالیستی ضروریست.

مبارزه با تروریسم اسلامی، مقابله با فرقه های قومی و مذهبی، جریانات راسیستی و دست راستی، خشک کردن لجنزار بازتولید این جریانات در جامعه، مقابله با استفاده دولتهای بورژوازی از این جریانات عهد عتیق علیه مبارزات برابری طلبانه، دفاع از حقوق متساوی انسانها و آزادی عقیده و بیان، کار مردم متمدن و بشریت آزادخواه جهان است. پایان دادن به تروریسم اسلامی و زمینه های رشد آن، پایان جنگ و جنایت در جهان، پایان توحش و بربریت گروهها افراطی از مذهبی تا راسیستی و ناسیونالیستی، کار جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است. دولتهای حاکم بر جهان خود عوامل بازتولید و سازندگان و تولید کنندگان و پیروس مذهبی، قومی و راسیستی درجهان در خدمت حفظ نظام کاپیتالیستی هستند.

## شرمتان باد!

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

بیش از ده ها شهر و شهرک و صدها روستا از شهرهای جنوب نفت خیز تا شرق و غرب ایران فاقد آب آشامیدنی سالم هستند. در استان کردستان، شهرهای سنندج، بانه، قروه، بیجار و کامیاران و ده ها روستای منطقه آب آشامیدنی سالم ندارند.

سال ها است در باره آب نوشیدنی شهر سنندج شک و ابهام وجود دارد. در سال های اخیر چند بار تانکرهای حمل مواد پتروشیمی به سد قشلاق سقوط کرده و آب را مسموم نموده است. کارشناسان از ته نشین شدن مواد شیمیایی در عمق سد و عبور از دریچه های خروج آب هشدار دادند ولی هر بار مسوولین دولتی بر آن سرپوش می گذارند.

آخرین گزارش از سنندج از ورود فاضلاب روستاهای اطراف سد به شبکه آب شهر خبر می دهد. بر اساس اعلام محیط زیست شهرستان سنندج، فاضلاب روستای دو هزار نفری «سارو قامیش» حدود ۱۰ لیتر در ثانیه بدون هیچ تصفیه ای وارد سد وحدت می شود. در حالی که این کار با ساماندهی فاضلاب روستاهای اطراف بویژه روستای ۲۰۰۰ نفری «ساروقامیش» حل می شود!

مدت هاست مردم سنندج از کیفیت و طعم و بوی آب شکایت دارند. اما مسوولین استان از جمله مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب شهری استان کردستان نیز همچنان موضوع را انکار می کند! آب سنندج حتی در شست و وسایل و ظروف مصرفی نیز قابل استفاده نیست. مردم نگرانند که احتمالا ماده ای به آب نوشیدنی شهر اضافه شده و از مسوولین استان می خواهند که ثابت کنند این شک و تردید درست نیست. مدیرعامل آب و فاضلاب «آبفا» کردستان هر بار با توجیهاتی بی اساس تلاش کرده از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند.

این وضعیت و از جمله جرم بسیار زیاد آب، سلامت مردم شهر را به خطر انداخته و ممکن است مسمومیت هایی در میان مردم ایجاد کند. از جمله مردمان زیادی دچار درد کلیه شده و پزشکان دلیل اصلی آن را وضعیت نامطلوب آب سنندج اعلام کرده اند. مردم نگران سلامتی خود و فرزندانشان هستند.

تغییر در بو و طعم بد آب نوشیدنی بانه و سنندج، قطعی مکرر آب در بعضی از شهرها و حتی اثبات آلودگی آب نوشیدنی شهر بیجار به نفت، تنها بخشی از مشکلاتی است که در این سال ها وجود داشته و دارد.

زمانی که مردم به آب سالم دسترسی نداشته باشند، درگیر بیماری هایی می شوند که هزینه های جبران ناپذیری دارد.

استاندار کردستان تا وکیل مجلس و مسوولین آب و فاضلاب شهر حرف های ضد و نقیض می زنند. دولت مردان محلی حتی مشکل سلامت آب را به مردم اطلاع نمی دهند و یا طفره رفته و از طریق رسانه های وابسته بر واقعیت سرپوش می گذارند.

مردم سنندج برای تامین آب نوشیدنی به سمت دستگاه های تصفیه، خرید آب معدنی و تهیه آب از چشمه ها روی می آورند و این کار هزینه بالایی به مردم تحمیل می کند.

روحانی، این روباه مکار، با هیجان احمقانه ای مژده می دهد که اجازه یافته است اسلحه بخرد. از شکوفایی اقتصاد حرف می زنند در حالی که مردم نان هیچ، حتی آب سالم برای نوشیدن ندارند. شرمتان باد! هر روز صدها نفر از کرونا می میرند، تنها در کردستان هر ماه ده ها نفر در تصادفات جاده های ناامن از بین می روند. تنها در ۶ ماه اول سال ۹۹ حدود ۱۵۰ کولبر کشته و زخمی شده اند. در حالیکه کولبری ننگ جامعه بشری است. هر ماه ده ها کارگر در حوادث کار جان خود را از دست می دهند. بسیاری کسانانی که زیر بار معیشت بخور و نمیر کمرشان خم شده و به حیات خود خاتمه می دهند. زندان و شکنجه و اعدام ها را به این این لیست مصیبت بار اضافه کنید.

مردم!

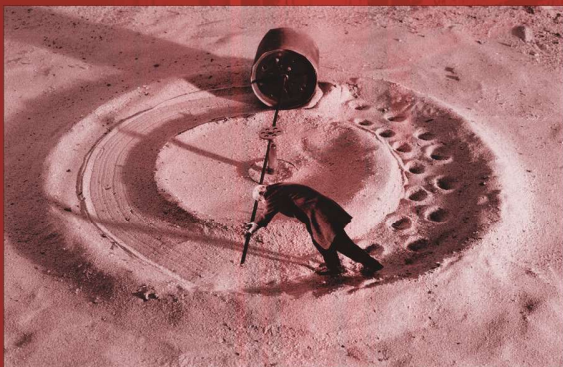
آب آشامیدنی سالم ابتدایی ترین نیاز بشر است. ما برای نان، برای مزه، برای امنیت و آزادی و معیشت و حتی برای آب باید بجنگیم. در این مملکت

برای هر چیز کوچک باید جنگید! برای تامین آب نوشیدنی سالم صدها هزار نفر، درب استانداری را از پاشنه در آورید. از کارشناسان اسانسدوست بخواهید مدام آب نوشیدنی شهر را آزمایش و صحت سلامت آن را تایید کنند. به دولت مردان فاسد و دروغگو اعتماد نکنید. این جانیان شرم نمی کنند، به صورت مسوولین این نظام جنایتکار که مخاطرات جان و سلامت خود و فرزندانتان را انکار می کنند، طفره می روند و شانه بالا می اندازند، تف کنید! خود را آماده کنید و یکپارچه شوید تا خود نظارت و کنترل بر سلامتی و امنیت و تامین معیشت کامل و آب نوشیدنی سالم را برعهده بگیرید. نگذارید این جانیان با سلامت خود و فرزندانتان بازی کنند! دست روی دست نگذارید. زندگی در این جهنمی که برای ما ساخته اند را نباید تحمل کرد.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۵ مهر ۹۹ - ۱۶ اکتبر ۲۰۲۰

## ناسیونالیسم چپ و تاریخ مبارزه کمونیستی در کردستان



K-O-M-A-L-A-O-1-2-3

جهت دانلود و دریافت کتاب بالا به سایت رسمی حزب رجوع کنید یا با آدرس ایمیل دبیرخانه حزب در تماس باشید:

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

# نه قومی نه مذهبی زنده باد همبیت انسانی



تاجزاده یکی از این پهلوان پنبه‌های «خدمت‌گذار» نظام است که تا دیروز معاون وزیر ارشاد در دولت موسوی و معاون پیشین دولت خاتمی بوده است و علیرغم میل باطنی‌اش، بعد از دودشیدن مفتضحانه «اصلاح‌طلبان» در عرصه سیاست ایران، ظاهراً امروز از سنگر دشمنی با مردم پا به فرار گذاشته است. با یک تیر دو نشان می‌زند: هم به امام دخیل می‌بندد و هم نیروی اپوزسیون را به رخ مقامات می‌کشد. مسئولین را پند و اندرز می‌دهد که بهتر است به برخی «خطاها و اشتباهات» گذشته اقرار کنند. تا بالاخره شرایطی مهیا شود که در آن همه اعضاء خانواده سر سفره حاکمیت شرفیاب شوند.

به هر اندازه این عناصر «خائن» به نظام در بنیان‌گذاری خونین جمهوری اسلامی سهم بیشتری به عهده گرفته‌اند، به همان میزان هم امروز در رهبری این «اپوزسیون حکومتی» برای خودشان کسی شده‌اند. هرچه میزان دخالت‌شان در سازماندهی به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و در حاکمیت‌ماندن آن که به بهای یک نسل‌کشی تاریخی شکل گرفت، بیشتر بوده باشد، به همان مقدار هم مقام‌شان در رهبری این شبکه از ناراضیان نظام، بالاتر است. اینها عمری در حکومت‌داری و مهندسی اختناق و استبداد، «تجربه» کسب کرده‌اند و در واقع نسخه بروزشده دیروز جمهوری اسلامی اند؛ قوانین و حاکمیت و ابزار سرکوب «جدیدی» نیاز دارند که بتوان با تکیه بر آن توقعات امروز نسل پرشور و انقلابی که تحت حاکمیت ارتجاع اسلامی آقایان، از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی انسانی محروم شده را بکوبند. نمی‌توان و نباید مقام و منزلت شامخ این تفاله‌های دور ریخته‌شده جمهوری اسلامی را در این «اپوزسیون» ندیده گرفت.

تاجزاده نگران است؛ اقرار کرده است که اساساً دیر شده است؛ از زبانه‌کشیدن دوباره جنبشی نگران است که از دیماه ۹۶ حکم به سرنگونی کامل نظام داده است و با عروج طبقه کارگر از هفت‌تپه تا فولاد و شرکت نفت، پرچم سیاسی خود را به اهتزاز درآورده است. تاجزاده نگران است؛ در این جنبش، جایگاهی ندارد؛ نسلی که زیر قوانین منحوس اسلامی و ماشین حکومتی اینها بزرگ شده است، طبقه کارگری که امروز می‌رود که متحد و یکپارچه شود و در فریاد اعتراضش به فقر و بیکاری، پاشنه آشیل نظام آقایان و اپوزیسیون واقعی جمهوری اسلامی شود را نمی‌توان با مقام امثال تاجزاده‌ها و مشتریان ناراضی نظام یکی دانست.

تاجزاده به صورت خود خنج می‌کشد؛ خیال می‌کند می‌توان جامعه را از حرکت انداخت؛ مردم را به خفت و رضایت به وضع موجود کشاند؛ «به این جمهوری اسلامی اعتقادی ندارم اما گزینه بهتری هم از این نظام سراغ ندارم»، حرف نشد! این شعبده‌بازی‌ها آشنا است؛ تف سربالا است! جمهوری اسلامی «گزینه» نیست، بلکه یک دستگاه تا بیخ دندان مسلح و سرکوبگر است! گزینه واقعی نزد ماست؛ نزد ما و میلیون‌ها انسانی که در تدارک نقشه بزیر کشیدن این نظام در یک انقلاب کارگری و سوسیالیستی هستیم. گزینه رهایی و برابری نزد جنبشی است که به کمتر از جارو کردن این طبقه سیاسی حاکم و جناح‌های فاسد آن رضایت نمی‌دهد؛ چشم اسفندیار نظام تاجزاده‌ها، در اعتصابات قدرتمند کارگری است؛ در امید و امیال میلیون‌ها زنی است که برای آتش زدن قوانین اسلامی و آپارتاید جنسی، لحظه شماری می‌کنند. ایران امروز، صحنه میدان‌داری ارتجاع اسلامی دهه ۶۰ نیست؛ صحنه «اصلاح‌طلبی»‌گری این و آن جناح نیست؛ آن دوران گذشت. جامعه امروز با پرچم «اصلاح نظام» به میدان نیامده است. مقهور تبلیغات «زنده باد» ناتو و ترامپ و تحریم اقتصادی نشده است. با پرچم «رضاشاه روحت شاد» به حرکت در نیامده است. محتوای سرنگونی جمهوری اسلامی برای مردم چیزی جز رفاه، آزادی و امنیت، محیط زیست سالم و تحکیم حقوق جهانشمول انسان، لغو قانون اعدام و مبارزه با فساد و اختلاس، زن آزاری و کودک آزاری، زندان و مستندسازی و ... نیست. این واقعیت را امروز به روشنی می‌توان در هر دم و بازدم مبارزاتی جامعه دید. عروج این انتخاب از پایین و ریزش در صفوف مقامات در بالا، مهمترین شاخص اوضاع امروز در جامعه ایران است. تاجزاده به چه زبانی اعلام کند که نگران سرنگونی به شیوه یک انقلاب کارگری و تسخیر قدرت توسط کمونیست‌ها است.

## یک دنیای بهتر

## برنامه حزب حکمتیست

## را بخوانید!

# hekmatist.com



صدای آزادی، صدای برابری

## تماس با حزب

تلگرام حزب @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

## حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی